

بررسی گوشه‌هایی از سیاست‌های بانکداری بریتانیا در ایران و هند

زهرا علیزاده بیرجندی^۱

زهرا نادی^۲

چکیده

مناسبات بریتانیا با شرق در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بروز پیدا کرد و شالوده این مناسبات بر محور حفظ منافع و حذف رقبای سیاسی از صحنه قدرت قرار داشت و در همین راستا، بریتانیا اهداف کلان استراتژیک خود را در شرق دنبال کرد. یکی از نمودهای استعمار اقتصادی بریتانیا، سیاست‌های بانکداری آن در سایر کشورهاست. مقاله حاضر به بررسی نظام بانکداری بریتانیا در ایران و هند اختصاص دارد. سیاست‌های بانکی بریتانیا در این دو کشور در ابعاد مختلف از جهت ساختار و نحوه عملکرد واجد ویژگی‌های خاصی است، کلیه شعب خارجی بانک‌های بریتانیایی تحت نظارت وزارت خزانه‌داری این کشور بودند و بریتانیا اهداف مشترکی را در سرزمین‌های مختلف دنبال می‌کرد، بنابراین نظام بانکداری مستعمراتی بریتانیا در هند و ایران به رغم تفاوت‌های اندک در زمینه نشر اسکناس و تعداد شعب از نظر اهداف کلان بریتانیا و گسترش نفوذ سیاسی همسان بودند.

واژگان کلیدی: سیاست‌های بانکداری، بریتانیا، ایران، هند، بانک شاهنشاهی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۹/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۹

^۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه بیرجند zalizadebirjandi@gmail.com

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه بیرجند zahra90@gmail.com

مقدمه

امپراطوری بریتانیا طی قرون هیجدهم و نوزدهم میلادی اقدام به تأسیس مؤسسات بانکی متعددی در مستعمرات و کشورهای زیر سلطه خود نمود. این مؤسسات تحت نظارت وزارت خزانهداری بریتانیا بودند که براساس مجموعه قوانین تدوین یافته اداره می‌شدند. گرچه همیشه این قوانین در اداره بانک‌های مستعمرات اجرا نمی‌شد و گاهی بنا بر اهداف و موقعیت کشور زیر سلطه، شیوه‌های بانکداری تغییر می‌کرد. اما در کلیه مؤسسات بانکی در کشورهای مختلف صدور انتشار اسکناس، وام دهی و در اختیار داشتن منابع مالی را از حقوق اولیه و اساسی خود می‌دانست. در این پژوهش سعی شده است که سیاست بانکداری بریتانیا و فعالیت و اقدامات بانک‌های تأسیس شده این کشور در ایران و هند بررسی گردد و با شیوه توصیفی - تحلیلی به این سؤال پاسخ داده شود که عملکرد سیستم بانکداری بریتانیا در ایران و هند به چه صورت بوده است؟

سیاست بانکداری بریتانیا و هدف از تأسیس مؤسسات بانکی

انگلستان در قرن نوزدهم میلادی برای توسعه و نفوذ سیاسی و اقتصادی اقدام به فعالیت‌های گسترده‌ای در مستعمرات خود نمود. از جمله اقدامات اقتصادی این دولت ایجاد مؤسسات بانکی در کشورهای تحت سلطه بود. مبادلات و روابط تجاری این بانک‌ها تحت نظارت دولت بریتانیا قرار داشت و در اقتصاد این کشور هم تأثیرگذار بود. اما در هر حال پیشرفت ساختاری شعب خارجی بانک‌های بریتانیایی نیازمند مطالعه‌ای جداگانه است. زیرا سیاست بانک‌های خارجی توسط اداره خزانهداری، دولت‌های مناطق مختلف و وزارت امور خارجه کنترل می‌گردید که جدای از بانک‌های انگلیس و با سایر شاخص‌ها بررسی می‌شد. (King, 1998:126/Miller,1998:10)

انگلستان در کشورهای مختلف از جمله در عثمانی، ژاپن، چین، شمال آفریقا هند و ایران اقدام به تأسیس بانک نمود. دولت بریتانیا برای اداره و کنترل این بانک‌ها در چارچوب قوانین بانکداری مستعمرات که توسط وزارت خزانهداری تدوین شده بود، عمل می‌کرد. از طریق وزارت خزانهداری خط مشی‌های سیاسی و اقتصادی بانک‌های خارج از بریتانیا در مستعمرات و کشورهای زیر سلطه مشخص می‌شد، به نحوی که این بانک‌ها بتوانند در راستای منافع و اهداف دولت بریتانیا گام بردارند.

بررسی گوشه‌هایی از سیاست‌های بانکداری بریتانیا در ایران و هند ۹۳

کاربرد آیین‌نامه بانکداری مستعمرات به دلایل متعددی ثابت نبود. گاهی بنا به بروز عوامل ویژه و شرایط خاص تغییر می‌کرد، ضمن آنکه این آیین‌نامه در شرایط عادی تنظیم نشده بود. (King, 1998: 122) به نظر می‌رسد شرایط سیاسی و اجتماعی و نیز موقعیت کشورهای که بریتانیا با آنها مناسبات اقتصادی و سیاسی داشت در اتخاذ نوع عملکرد و روش بانکداری تأثیرگذار بود. به طور کلی دولت بریتانیا در تأسیس بانک‌ها در کشورهای مختلف مانند ایران و هند از شرایط و امتیازات تقریباً یکسانی بهره‌برداری می‌کرد. از جمله مفاد اصلی قراردادهای بریتانیا در زمینه تأسیس بانک در این کشورها می‌توان به کسب امتیاز نشر اسکناس، ایجاد شعب داخلی در شهرهای مختلف، معافیت مالیاتی، کنترل و نظارت بر تجارت داخلی و ارز خارجی، استقرار شعبه مرکزی در لندن، حضور فعال سهامداران اروپایی و به ویژه بریتانیایی و در نتیجه کم‌رنگ شدن نقش نیروهای بومی اشاره کرد.

با وجود مشابهت‌های کلی روند بانکداری در ایران و هند و همچنین همسانی‌های مفاد امتیازنامه‌ها، نقاط تمایزی نیز در عملکرد بانکداران بریتانیایی در این مناطق وجود دارد. نکته شایان توجه در مورد هند آن است که این کشور مستعمره بریتانیا بود و تحت نظارت دولت بریتانیا و کمپانی هند شرقی قرار داشت. هند از جنبه‌های مختلف به ویژه از نظر تجاری، تأمین ارز و اشتغال نیز برای متروپل سودآور بود. (الهی، ۱۳۸۳: ۶۳) ایران اگرچه به ظاهر کشور مستقلی محسوب می‌شد، با این حال تحت سلطه دولت‌های استعمارگر روس و انگلیس قرار داشت و عملکرد سیاست‌های ایران بر طبق منافع این دولت‌ها صورت می‌گرفت. کرزن در کتاب خود «ایران و قضیه ایران» بیان می‌کند که: «ایران از لحاظ جغرافیایی، حد فاصل بین اروپا و هندوستان است و بعید می‌نماید که نقش عمده‌ای در تاریخ آینده مشرق زمین نداشته باشد.» (کرزن، ۱۳۸۰: ۶۹۸)

تسلط انگلستان بر هند اگرچه آشکارا بود، اما در ایران این سلطه به صورت غیر مستقیم و از طریق عوامل نفوذی از جمله برخی دولتمردان ایرانی اعمال می‌شد. نکته دیگر اینکه بریتانیا در هند آزادانه‌تر عمل می‌کرد و رقیبی مانند روسیه نداشت که مانع از عملکرد این کشور در آن سرزمین شود، در حالی که در ایران به سبب دخالت رقبا با محدودیت‌های فراوانی در اخذ امتیازات اقتصادی رو به رو بود. همه این شرایط و رقابت

با روسیه و جلوگیری از نزدیک شدن آن دولت به مرزهای هند در روند سیاست دولت بریتانیا به ویژه در زمینه بانکداری تأثیر گذار بود.

بررسی اوضاع کشور هند به سبب پیوند بانکداری آن با اقیانوس آرام و نقش تعیین کننده‌اش در مبادلات تجاری و عملیات ارزی با اروپا دارای اهمیت است. (King, 1998: 145) چنان که پروفیسور جان کری کینگ، استاد دانشگاه ویرجینیا ضمن اشاره به اهمیت جنوب شرق آسیا، موقعیت این منطقه را با پاناما و کانال سوئز قابل قیاس دانسته است. وی استدلال می‌کند که خطوط هوایی و دریایی ارتباط دهنده اقیانوس آرام و هند باید از حیثه نفوذ قدرت دشمن محفوظ باشند. (شوب و مینتر، ۱۳۷۰: ۱۷۱)

انگلستان طرح‌های انسجام یافته و دامنه‌داری را جهت توسعه نفوذ خود در ایران مدنظر قرار داده بود که تأسیس بانک شاهنشاهی می‌توانست به عنوان محور و کانون فعالیت تمام این امتیازات و طرح‌ها شناخته شود. نکته در خور توجه اینکه تأسیس بانک شاهنشاهی پس از طرح آزادی کشتیرانی در کارون شکل اجرائی به خود گرفت؛ این موضوع پیوستگی و انسجام سیاست انگلیسی‌ها جهت گسترش نفوذ در ایران را نشان می‌دهد. (شاهدی، ۱۳۷۸: ۵۱)

در ایران، بانک شاهنشاهی به دنبال لغو امتیازنامه رویتر و اعطای امتیاز تأسیس بانک به یکی از اتباع دولت انگلیس دایر گردید. در واقع هنگامی که امتیاز رویتر لغو شد، کلیه مفاد و شروط آن فاقد اعتبار گردید و اینکه رویتر چند سال بعد باری دیگر طرح تأسیس بانک شاهنشاهی در ایران را با استناد به بند بیستم قرارداد ملغی شده پیشین مطرح کرد، به لحاظ حقوقی و قانونی نمی‌توانست دارای اعتبار و پیگیری باشد. اما از آنجائی که در پس این ادعای رویتر هدف عمده استعمار انگلیس، گسترش هر چه بیشتر نفوذ اقتصادی و سیاسی در ایران بود، فشارهای متعدد داخلی پیرامون این موضوع قوت گرفت تا به روش‌های مختلف حکومت قاجار را وامدار بخشی از امتیاز لغو شده رویتر نشان دهند و امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی را از آن حکومت بگیرند. (شاهدی، ۱۳۷۸: ۴۸)

بریتانیا و رویتر علاقه مشترکی در بازیابی امتیاز اصلی و حق تأسیس بانک داشتند، به این دلیل که وسیله‌ای برای ایجاد وابستگی و نزدیک‌تر شدن ایران به اقتصاد بریتانیا بود. (Galbraith, 1989: 491) نکته شایان توجه اینکه بریتانیا در هنگام طرح

بررسی گوشه‌هایی از سیاست‌های بانکداری بریتانیا در ایران و هند ۹۵

قرارداد رویتر موضع بی‌طرفی اتخاذ کرده بود و به هیچ وجه مداخله‌ای در آن نداشت. اما پس از الغای قرارداد، فعالانه در صدد بهره‌برداری از شرایط برآمد. (آدمیت، ۱۳۸۵: ۳۴۷-۳۴۸) سرانجام در ۱۵ ژانویه ۱۸۸۹م. امین السلطان به ژوزف رابینو نماینده رویتر نوشت که شاه با تقاضای بانک دایر بر تشکیل کمپانی استخراج معادن در ایران موافقت کرده است. در ۳۰ ژانویه ۱۸۸۹م. جرج رویتر، میرزا عباس خان قوام الدوله و میرزا علی اصغر خان امین السلطان موافقت نامه‌ای مربوط به اعطای امتیاز تأسیس بانک را امضاء کردند. به موجب امتیاز نامه جدید به رویتر حق تأسیس بانک دولتی در ایران به عنوان "بانک شاهنشاهی ایران" داده شد. (کاظم زاده، ۱۳۷۱: ۱۹۴)

از امتیازاتی که وزارت خزانهداری در تأسیس بانک در خارج از کشور از آن بهره‌مند می‌شد، علاوه بر حمایت و سرمایه‌گذاری سهامداران و تجار بریتانیایی، حمایت دولت انگلیس از بانک‌ها بود. چنانکه بانک شاهنشاهی از دولت بریتانیا یک منشور سلطنتی مشارکت دریافت کرد و بدین سان اعتماد وی به حمایت دولت بریتانیا افزایش یافت. (Avery and Simmons, 1974: 277)

در هندوستان با استقرار حکومت مستعمراتی بریتانیا، تشکیل سیستم بانکداری غربی مطرح شد که تنها نیازهای دولت انگلیس را برآورده می‌ساخت. (Cohen, 2003: 345) در واقع در هند ابتدا سلطه سیاسی شکل گرفت و به دنبال آن، به استثمار اقتصادی منتهی گردید. (لعل نهرو، ۱۳۶۱: ۴۷۱) اولین بانک در کلکته^۱ در سال ۱۸۰۶م. ایجاد شد و سپس دو بانک محلی دیگر در بمبئی^۲ و مدرس^۳ (چینای امروزه) شکل گرفت که این بانک‌های محلی ستون فقرات سیستم بانکداری داخلی در هند را تشکیل می‌دادند. (Howard, 1921: 147) بانک بمبئی آخرین بانکی است که تحت نظارت امپراطوری بریتانیا بر طبق منشور کمپانی هند شرقی تأسیس شد و یک دهه پس از اولین جنگ هندی‌ها مستقل شد. (Leeladhar, 2007: 1) کمپانی هند شرقی، هم‌مظهر قدرت سیاسی انگلستان و هم نماینده منافع و قدرت اقتصادی آن کشور بود. این کمپانی قدرت فائقه را در دست خود داشت و چون یک کمپانی بازرگانی

^۱. Calcutta

^۲. Bombay

^۳. Madras

بود به قصد جمع آوری پول و ثروت فعالیت می‌کرد. (لعل نهرو، ۱۳۶۱: ۴۷۱) از همان آغاز، تأسیس این بانک‌ها در راستای اهداف و خواسته‌های دولت بریتانیا بود. انگلستان در هر منطقه‌ای که برای او سودآوری داشت، اقدام به فعالیت می‌کرد. چنانکه هدف از تأسیس بانک شاهنشاهی ایران بیشتر تأمین منافع سیاسی و استفاده از ایران برای حفاظت از هند در مقابل رقبا بود. بهره‌مندی از سیستم بانکی نه تنها از جنبه عملیات بانکی و تجارت سودآور بود و به اقتصاد امپراطوری بریتانیا کمک می‌کرد، بلکه زمینه نظارت بر مناطق مختلف ایران را نیز فراهم می‌نمود. افزون بر آن، بانک ابزاری برای تطمیع دولتمردان ایرانی و بهره‌گیری از آنان به منظور گسترش نفوذ انگلیس به شمار می‌آمد. در هند همانند ایران، بانک اهرمی برای پیشبرد منافع سیاسی و اقتصادی محسوب می‌شد. جدای از تفاوت‌های مکانی، انگلستان اهداف و استراتژی کلی خود را مد نظر داشت و شیوه‌های خاص خویش را برای پیشبرد مقاصدش در پیش می‌گرفت. در راستای همین اهداف، در پوشش فعالیت‌های اقتصادی و سیستم بانکداری در مستعمرات و مناطق تحت نفوذ، مقاصد نظامی‌اش را محقق می‌گرداند. اسناد آرشیوی موجود، شاهد این مدعاست؛ چنانکه در متن مکاتبه اعتصام‌الملک به وزارت امور خارجه چنین آمده است:

"مقام منیع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکة العالی

برای مصارف قشونی دولت فخریه انگلیس یک میلیون روپیه نقره، سکه هندوستانی وارد شعبه بانک شاهنشاهی بیرجند نموده‌اند و از قرار یکی دو قران رواج است ... وزن هر روپیه دو مثقال و ده نخود است که دو نخود از دو قرانی ایران بیشتر است ولی نقره آن به پاکی نقره دو هزاری نیست زیاده عرض ندارم چاکر حسین اعتصام‌الملک." (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ۶-۲۸-۳۸-۱۳۳۷ق.)

استقرار بریتانیا در هند و استفاده از روپیه‌های هندی، بیانگر پیوندهای سیاست انگلستان در هند و ایران است. انگلیسی‌ها تا پیش از آنکه در هند مستقر شوند، روابط منظم با ایران نداشتند و کمپانی هند شرقی نخستین کانال ارتباطی انگلیس و ایران به شمار می‌آید و نقش عمده‌ای را در جریان این سیستم و تأسیس بانک هند بازی کرده است. (رایت، ۱۳۸۰: ۲۵۳) ذکر این نکته نیز مناسب است که کمپانی انگلیسی هند شرقی تا قیام سال ۱۸۵۷م. امور هند را در دست داشت، اما پس از انحلال کمپانی، دولت انگلستان امور هند را مستقیماً به عهده گرفت. (میر شریفی، ۱۳۸۷: ۱۴۰)

سرمایه گذاران بانک

دولت بریتانیا با تأسیس این بانک‌ها بخشی از سهام آنها را در اختیار می‌گرفت و بخش دیگر را به بازرگانان و سهامداران اروپائی واگذار می‌کرد. انگلیسی‌ها تجار را تشویق می‌کردند در بانک‌های خارج از کشور سرمایه‌گذاری نمایند و یا اداره آن بانک‌ها را بر عهده گیرند. حتی بازرگانان غیر بریتانیائی و دیگران را تشویق می‌کردند که عضو هیئت مدیره بانک‌های خارج از بریتانیا در سرزمین‌های مختلف مانند استرالیا، چین، کلمبیا، شیلی، کالیفرنیا، ژاپن و فیلیپین - کرانه اقیانوس آرام - شوند. (Miller, 1998: 10)

در ایران عمده سرمایه گذاران و سهامداران بانک شاهنشاهی، انگلیسی‌ها بودند. دولت بریتانیا با توجه به ناکامی‌های پیشین در ایران کوشید سرمایه‌داران بزرگ را به مشارکت در امتیاز بانک بکشاند. هنری شرودر - یکی از بزرگ‌ترین مؤسسات بازرگانی کشور - در رأس شرکت سهامی قرار گرفت. (کوزنتسوا، ۱۳۸۶: ۲۱۷ / شاهدی، ۱۳۷۸: ۸۳) رویتر پس از تحصیل امتیاز با عده‌ای از بانکداران و ثروتمندان انگلیس مثل بارون شرویدر، روبن ساسون و جفری کلین شرکتی با سرمایه چهار میلیون لیره انگلیس تشکیل داد و این شرکت در ماه اوت ۱۸۸۹م. در لندن ثبت شد. (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷: ۸۰) دکتر تولوزان پزشک شاه از لندن خبر می‌داد: «در میان بنیانگذاران بانک نام روچیلدها، ساسون‌ها و شرودرها به چشم می‌خورد.» (ناطق، ۱۳۷۳: ۲۴)

بهای سهام بانک شاهی در زمان کوتاهی، چنان بالا گرفت که ۱۵ بار تجدید شد و بهای هر سهم که ۱۲ لیره بود به ۵ برابر رسید. همکاران رویتر هم یادآور شدند که امتیاز بانک بسیار ارزشمند است و زمینه سرمایه‌گذاری‌های تازه را ایجاد خواهد کرد. (ناطق، ۱۳۷۳: ۲۶) ولف می‌گوید: تنها با ایجاد یک موقعیت سیاسی در ایران که سرمایه‌های جهانی را به خود جذب کند، می‌توان از سرمایه‌گذاری طرفداران روسی ممانعت کرد و فعالیت بانک شاهنشاهی حسادت طرفداران روسی را به شدت افزایش داد. (Thornton, 1955: 67)

از آنجائی که بنیانگذاران بانک شاهنشاهی بر آن بودند تا بانک شاهنشاهی ایران را بانکی انگلیسی باقی نگه دارند، از همان آغاز تلاش می‌شد که کمتر ایرانی‌ها به هیئت مدیره و یا سهامداران ملحق شوند. (شاهدی، ۱۳۷۸: ۸۳) البته این مسئله فقط در سهام‌گذاری در بانک نبود، بلکه در میان کارمندان شعبه مرکزی بانک شاهنشاهی،

اروپائی‌ها و انگلیسی‌ها بیشترین تعداد را شامل می‌شدند. به ویژه پست‌های کلیدی و حساس بانک، علاوه بر شعبه مرکزی در تمام شعب محلی در شهرستان‌ها تحت کنترل کارمندان انگلیسی و اروپائی بود و ایرانیان به زحمت می‌توانستند تا رده‌های میانی بانک ارتقاء یابند. شعب شهرستان‌ها - برخلاف شعبه مرکزی - کمترین کارمند را داشت و تعداد کارمندان شعب محلی از پنج یا شش نفر تجاوز نمی‌کرد که در این میان هم پست‌های حساس نظیر مدیریت و حسابداری و در غالب اوقات صندوقداری بانک بر عهده کارمندان اروپائی بود.

کارگزاران بانک از انتصاب ایرانیان به ویژه ایرانیان مسلمان به مدیریت بانک احتراز داشتند. با این حال، از میان آنان هم حتی‌الامکان سعی می‌شد تا افراد غیر مسلمان نظیر یهودیان، بهائیان، زرتشتیان و آرامنه در اولویت استخدام قرار بگیرند. (شاهدی، ۱۳۷۸: ۱۰۶-۱۰۴) تا بدین گونه از افشای فعالیت‌ها و عملیات سری و اقدامات فزون طلبانه آنان توسط نیروهای بومی ممانعت شود. به عنوان نمونه کنسول بریتانیا در سیستان طی یادداشت‌های ۲۱-۱۶ مارس ۱۹۰۴ م. کنسولگری چنین ثبت کرده است: "در ۱۹ مارس آقای امرسون مجبور شد اسماعیل خان، حسابدار بانک شاهی را از کار معلق سازد. به نظر می‌رسد اخیراً یمین نظام مبلغ ده هزار قران به بانک سپرده نهاده بود و حسابدار با انگیزه شخصی آن را به بیرون درز داده است. یمین نظام نه تنها این مبلغ پول را در بانک سپرده بلکه آن را بابت خدمات ارایه کرده در رابطه با رأی مرزی اخیر از کمیسیونر بریتانیا دریافت داشته است." (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۴۵۱) این نشان می‌دهد که گاهی اوقات حضور افراد بومی در کادر اداری بریتانیا در کشور باعث کارشکنی در امور می‌شد. چنانکه در این نامه، موضوع رشوه انگلیس به مأمور مرزی ایران بابت داوری به نفع بریتانیا توسط حسابدار بانک سیستان که یک ایرانی بود، آشکار شده است. با این حال، ایرانی‌ها توانستند سهم اندکی را در تأسیس و تشکیلات آن بانک بر عهده بگیرند. بنا بر اسناد بانک شاهی که جونز به تفصیل آورده است، یکی از زنان شاه ۱۰/۰۰۰ لیره و ظل السلطان ۲۰/۰۰۰ لیره سرمایه گذاری کردند. (ناطق، ۱۳۷۳: ۲۸) در هند نیز امپراطوری بریتانیا یک پنجم سهام هر بانک را در دست داشت و بقیه سهام به مشترکین اختصاصی فروخته شد. از جمله به شرکت‌های تجاری اروپای غربی واگذار شد و این شرکت‌ها در هیئت مدیره هر بانک نمایندگی دولت خود را به عهده داشتند. (Cohen, 2003: 345)

مقر اصلی بانک

مقر اصلی بانک‌ها در لندن؛ جائی که عمده سرمایه گذاران بانک‌ها مستقر بودند، قرار داشت و شعبه مرکزی در داخل کشور نیز در مهم‌ترین شهرها تأسیس می‌شد. در ایران مقر اصلی بانک در تهران قرار گرفت و مدیر کل بانک شاهنشاهی در ایران که خود مدیریت شعبه اصلی بانک در تهران را نیز عهده‌دار بود به لحاظ مقام تصمیم‌گیرنده در ردیف سوم ارشدیت قرار داشت. پیش از آن، مقام هیئت مدیره و رئیس کل بانک شاهنشاهی سیاست‌های اقتصادی و سیاسی بانک را تعیین می‌کردند و سمت و سو می‌دادند. (شاهدی، ۱۳۷۸: ۹۸)

طبق مفاد امتیازنامه، بانک مختار بود علاوه بر تهران در هر شهری که بخواهد، اقدام به گشایش بانک نماید و حکمرانان و امیران شهرها هم ملزم به همکاری با بانک بودند. در شیراز، سلطان اویس میرزا محلی را که پیش‌تر برای زندان در نظر گرفته بود به بانک پیشنهاد کرد: «البته اطاعت خواهد شد. رئیس بانک خودش تا سی و چهل روز دیگر به شیراز می‌آید. باری محل بانک جائی خواسته‌اند. هرگاه مناسب بدانند، خلوت جنب تلگرافخانه را که جای محکمی است به اجاره بانک بدهیم و صرفه حاصل دیوان شود. پارسال حرف انگلیس‌ها این بود که اینجا محبس شود. آه و ناله محبوسین اسباب زحمت ما می‌شود. برای بانک این محذور و مانع نیست.» (ناطق، ۱۳۷۳: ۲۸-۲۹)

شعبات دیگر بانک شاهنشاهی در شهرهایی مانند تبریز، رشت، مشهد، اصفهان، شیراز، بوشهر، کرمانشاه، همدان، سلطان آباد، قزوین، یزد، کرمان، خرمشهر، اهواز و بیرجند دایر شد، در خارج از مرزهای ایران علاوه بر لندن، شعباتی نیز در شهرهای بمبئی، بصره و بغداد فعالانه در کار تجارت مردم دخالت داشت، گشایش هر شعبه مانند زنجیری بود که بر پیکر نیمه جان اقتصاد سنتی ایران پیچیده می‌شد. (رودگر کیا، ۱۳۸۵: ۵۵) در حالیکه در هند آنچه که بعدها بانک رسمی آن کشور شد، در سال ۱۸۰۶م. در کلکته دایر گردید که "بانک کلکته" نام داشت و نخستین شرکت سهامی کشور بود. این بانک در ابتدای امر برای برطرف کردن احتیاجات مردم شهر تأسیس شده بود. بانک یک امتیازنامه صادر کرد که در سال ۱۸۰۹م. در بنگال به کار گرفته شد و بانک کلکته به بانک بنگال تغییر نام داد. (Cohen, 2003: 345) در اواسط این قرن، امپراطوری بریتانیا بیش از دو بانک محلی ایجاد کرد و بانک بمبئی در سال

۱۸۴۰م. ایجاد شد و خیلی زود به بانک مدرس در سال ۱۸۴۳م. پیوست.
(Leeladhar, 2007:3 / Cohen, 2003: 345)

حق انتشار اسکناس

دولت بریتانیا یکی از امتیازاتی را که در تأسیس بانکها در مستعمرات کسب می‌کرد حق انتشار اسکناس بود. داشتن امتیاز انحصاری انتشار اسکناس و یا صندوقداری دولت، هر یک به تنهایی برای اجرای سیاست‌های اقتصادی و تجاری در کشور کافی بود. درک اهمیت انتشار اسکناس خیلی آسان‌تر و آثار اقتصادی آن روشن‌تر از موضوع صندوقداری دولت است. این تمرکز حساب‌های دولت و وجوه خزانه در بانک شاهنشاهی و دخالت مؤسسه مزبور در کلیه نقل و انتقالات کشوری و لشگری از جمله پرداخت حقوق مأموران دولت و افراد ارتش به تدریج اسباب استیلای بانک را بر امور مالی کشور فراهم نمود. (مجتهد، ۱۳۸۰: ۱۲۵)

بانک شاهنشاهی با در دست داشتن انحصار صدور اسکناس در ایران و پس از آن اداره ضرابخانه دولتی موفق گردید که اختیار پول مملکت را در دست بگیرد و به وسیله آن در کلیه شئون اقتصادی و سیاسی کشور دخالت نماید. پول حربه نیرومندی بود که اگر در دست ضعیف‌ترین افراد باشد، می‌تواند نیرومندترین اشخاص را از پای درآورد و این رازی است که مدت‌هاست انگلیسی‌ها بدان پی برده بودند و قرن‌هاست که آن را حربه سیاسی خود قرار داده‌اند. (دانشپور [بی تا]: ۱۵) امتیاز بانک شاهنشاهی ایران همچون ابزاری غیر رسمی در دست سیاست انگلستان قرار داشت و یکی از منابع نفوذ آن کشور محسوب می‌شد که می‌توانست از طریق آن وام مورد نیاز دولت ایران را به موقع تأمین کند. (اولسون، ۱۳۸۰: ۲۲) اما در دست گرفتن انتشار اسکناس در اختیار یک کشور خارجی به نفع مستعمرات نبود، چنانکه در ایران بر سر رقابت بین روسیه و بریتانیا ضررهای فراوانی به این کشور وارد شد (Rabino, 1901: 273) و در اختیار داشتن این امتیاز سود بسیاری را برای دولت بریتانیا فراهم می‌کرد.

بانک انتشار اسکناس را به کمپانی هانری شرودر سپرد که مسئول امتیاز راه‌آهن در آمریکای لاتین بود. این کمپانی اسکناس یک تا صد تومانی و حتی اسکناس‌های هزار تومانی هم چاپ کرد. (ناطق، ۱۳۷۳: ۲۴) اما بعدها بانک شاهنشاهی اقدام به صدور اسکناس برای هر شهر نمود و با ذکر "در همان شهر ادا خواهد شد" به فعالیت خود

بررسی گوشه‌هایی از سیاست‌های بانکداری بریتانیا در ایران و هند ۱۰۱

ادامه داد. در هند، هر کدام از سه بانک محلی اجازه انتشار اسکناس را در حد معینی فقط برای مردم منطقه خود داشتند. بانک بنگال حق انتشار اسکناس‌های خودش را که اسکناس رایج قانونی در میان بنگالی‌ها شد، دریافت نمود. این حق، بانک را به استقرار بنیاد مالی ثابت و ایجاد بهره در سرمایه‌گذاری مالی قادر می‌ساخت. خرید و فروش برات‌های قابل معاوضه که فقره ای از تجارت محسوب می‌گردید، از سال ۱۸۳۹ م. توسط بانک بنگال انجام می‌شد. انتشار پول کاغذی در سال ۱۸۶۱ م. انحصار انتشار اسکناس را در اختیار دولت هند بریتانیا نهاد و بدین سان به انتشار اسکناس توسط بانک‌های محلی و خصوصی توسط مجلس قانونگذاری پایان داد. (Leeladhar,2008:1,2 / Cohen,2003:355)

در مراحل اولیه، بانکداری تجاری در هند دارای چارچوبی منظم بود که تا حد معینی اسکناس منتشر می‌کرد و بانک‌های محلی بر طبق منشور سلطنتی، کمپانی هند شرقی و دولت هند این اسکناس‌ها را تنظیم و کنترل می‌کردند. (Leeladhar, 2007: 2) دولت بریتانیا با در دست داشتن حق انتشار اسکناس، علاوه بر سودآوری در صدور آن از این امتیاز به عنوان اهرم فشار در مقابل دولت و مخالفان خود استفاده می‌کرد. هدف بریتانیا از انتشار اسکناس برای هر شهر یا منطقه ویژه که براساس سیاست هدفمند بانکداری در مستعمرات بود، علاوه بر کسب سود در هنگام تعویض اسکناس‌ها - مردم هر منطقه در زمان مسافرت به شهر دیگر مجبور بودند اسکناس‌های خود را به پول رایج آن شهر تبدیل نمایند و در این تعویض مقداری از پول به عنوان کارمزد بانک کسر می‌شد - می‌توانستند از مراجعه یکباره مردم برای دریافت پول به بانک که موجودیت بانک را به خطر می‌انداخت، جلوگیری نمایند. چنانکه این مسئله در ایران رخ داده بود و مردم به تحریک تجار برای تبدیل اسکناس‌های خود به نقره به بانک مراجعه کرده بودند.

در سال ۱۸۹۸ م. جنبشی بر ضد بانک شاهنشاهی پدید آمد. مردم با تهدید به محاصره بانک شاهنشاهی پرداختند و خواستار تعویض بلامانع اسکناس با نقره شدند. جنبش جنبه تهدید آمیزی به خود گرفت و حکومت ناصرالدین شاه که از طغیان علنی می‌ترسید به یاری بانک انگلیس آمد و مبلغ کلانی مسکوک نقره در اختیار وی گذاشت. (کوزنتسوا، ۱۳۸۶: ۲۶۷-۲۶۶) گاهی اوقات هم به تحریک روس‌ها که بانک آنها تحت حمایت دولت‌شان قرار داشت و در رقابت سختی با بانک شاهنشاهی به ریاست رابینو به

سر می‌برد، مقادیر زیادی اسکناس جهت تبدیل به پول نقره به یکی از شعب بانک ارائه می‌گردید. بنابراین، بانک مجبور بود در شعبات خود نقره کافی ذخیره کند تا در هر لحظه قادر باشند اسکناس‌های ارائه شده به بانک را نقد کنند. برای جلوگیری از این مشکلات بود که محل ادای هر اسکناس بر روی آن درج می‌گردید تا از این کارشکنی جلوگیری گردد. (رایت، ۱۳۸۵: ۲۳۷-۲۳۶)

تأسیس شعبات

بانک شاهنشاهی طبق امتیازنامه‌ای که از دولت ایران گرفته بود، می‌توانست در هر شهری که می‌خواست شعبه‌ای را تأسیس نماید. بانک در اکثر شهرهای مهم که دارای موقعیت سیاسی و اقتصادی بودند به گشایش شعبه اقدام نمود. بسیاری از این شعبات در راستای اهداف سیاسی و رقابت‌های بانک شاهنشاهی انگلیس با بانک استقرای روسیه شکل گرفت و در حالی که در برخی شهرها امور بانکی در دست بانک استقرای روس بود و شعبه بانک شاهنشاهی نمی‌توانست نقشی در آن داشته باشد، اما باز هم به خاطر رقابت با روس تأسیس می‌شد و حتی گاهی به ورشکستگی و تعطیل شدن شعبه بانک می‌انجامید. افزون بر آن، انگلستان برای به دست گرفتن کنترل هر چه بیشتر مناطق شرقی ایران به ویژه در امور اقتصادی و تجاری، شعباتی از بانک شاهنشاهی را در شهرهای مهم این منطقه افتتاح کرد. شعبه‌ای از این بانک از طریق اقدامات و سیاست‌گذاری حکومت انگلیسی هند به سال ۱۳۲۱ق. / ۱۹۰۳م. در نصرت-آباد سیستان تأسیس شد. این شعبه نه از سر نیاز بلکه به دنبال انتشار شایعات مبنی بر گشایش بانک توسط روس‌ها در سیستان آغاز به کار کرد. هدف انگلستان از تأسیس این بانک علاوه بر رقابت با روس‌ها، تجارت در آن منطقه بود. (شاهدی، ۱۳۷۷: ۳۵) اقامت شماری از تجار هندی در سیستان نیز در راستای همین اهداف رخ نمود. (رایت، ۱۳۸۰: ۲۳۵)

ساماندهی امور بانکی بریتانیا در شعبات خارجی براساس ضرورت‌ها و اولویت‌های سیاسی آنها صورت می‌گرفت. (King, 1998: 121) انگلیسی‌ها در هندوستان به تأسیس شعبه در مناطقی که از جمعیت بیشتری برخوردار بود، اقدام نمودند. بانک‌های بنگال، بمبئی و مدرس به گسترش فعالیت‌های خود و استقرار یک سیستم از ادارات فرعی،

بررسی گوشه‌هایی از سیاست‌های بانکداری بریتانیا در ایران و هند ۱۰۳

شعبات و زیر شاخه‌های تابع در سراسر نواحی پرجمعیت سواحل هندوستان اقدام کردند که به آسانی وارد نواحی داخلی شد. در پایان دهه ۱۸۷۰م. این سه بانک، پنجاه شعبه را دایر کرده بودند. (Cohen, 2003: 255)

وظایف بانک‌ها و عملکرد آنها

در روند تکوین و شکل‌گیری بانک شاهنشاهی در ایران فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی بریتانیا و تلاش‌های این کشور در تأمین منافع و مطامع این مؤسسه اقتصادی مشاهده می‌گردد که با توجه به گستردگی آن به برخی از آنها اشاره می‌شود. از فعالیت‌های اقتصادی و تجاری بانک می‌توان به انتقال پول و ارز میان ایران و اروپا خرید و فروش شمش، احداث جاده‌ها و خطوط راه‌آهن، بهره‌برداری از معادن، نشر اسکناس و اعطای وام به دولت، دولتمردان و تجار اشاره نمود. چنانکه بارینگ رایس عملکرد فوق‌العاده بانک انگلیس به عنوان بانک مرکزی و فعالیت آن در زمینه وام‌دهی را عامل رشد و ثبات سیستم بانکداری بریتانیا عنوان می‌کند. (Broadberry, 2006: 196)

در اوایل سال ۱۸۸۰م. دولت بریتانیا روش‌های گوناگونی را به کار گرفت تا از آنچه که به آن علاقه داشت، محافظت کند. از این رو در ازای وام‌هایی که به دولت ایران اعطاء می‌کرد، ضمانت‌هایی می‌گرفت و بدین سان سلطه سیاسی و نظامی خود را گسترش می‌داد. به عنوان مثال دولت ایران نیم میلیون پوند با بهره شش درصدی از بانک شاهنشاهی وام گرفت و درآمدهای گمرکی خلیج فارس را گرو گذاشت. این وام در تاریخ ۱۸ شوال ۱۳۰۹ / ۱۵ مه ۱۸۹۲ در جریان رژی و غرامتی که ایران باید به علت لغو امتیاز به کمپانی می‌پرداخت از بانک اخذ شد. ارتباطاتی از این دست، اعتبار و درآمد لازم برای مؤسسات بریتانیایی در این ناحیه را تأمین می‌کرد. (Stibben, 2009: 1, Greaves, 1965: 53)

بانک، وام‌ها و اعتباراتی را نیز در اختیار تجار و افراد می‌گذاشت و غالباً از این ابزار در خدمت اهداف سیاسی بهره می‌گرفت. بدین نحو که اعتبارات هنگفتی با تسهیلات گوناگون عرضه می‌کرد و سپس فشار فوق‌العاده‌ای برای وصول آن وارد می‌آورد و چون مقررات کاپیتولاسیون در ایران وجود داشت، عرصه را بر بدهکاران که بیشتر از رجال کشور و غیر بازرگان بودند، تنگ می‌ساخت تا از سر درماندگی به اوامر و خواست‌های آنان تن در دهند. (غلامی، ۱۳۸۱: ۶)

گاهی اوقات نیز از سیستم وام‌دهی برای روابط دولت و مردم در راستای اهداف خود بهره می‌بردند و بدین شیوه در جریان‌های مختلف سیاسی نقش‌آفرینی می‌کردند. برای نمونه به دخالت بانک شاهنشاهی در جریان مشروطیت و حمایت و کمک مالی به بست‌نشینان سفارت انگلیس و نیز کارشکنی در تأسیس بانک ملی در صدر مشروطیت با فشار آوردن بر دولت جهت بازپرداخت اقساط بدهی‌های خود می‌توان اشاره نمود. همچنین در آستانه کودتای ۱۲۹۹ش. نیز بانک شاهنشاهی از سید ضیاء به عنوان واسطه‌ای برای کسب اطلاعات شخصی برخی از مشتریان سرشناس بانک استفاده می‌کرد. سید ضیاء در ظاهر دوست و همکار سپهدار اعظم - آخرین نخست وزیر پیش از کودتا - و واسطه میان او و بانک شاهی و سفارت انگلیس بود و در اجرای نقشه‌ی کودتا برای هماهنگ کردن امور همواره از تهران به قزوین رفت و آمد می‌کرد. (ملائی توانی، ۱۳۸۱: ۵۵۸-۵۵۷).

افزون بر آن، طی جنگ جهانی اول مواضع سیاسی - اقتصادی بانک شاهنشاهی در جهت حمایت از دولت بریتانیا بود و این بانک به منزله صندوق پولی عمل می‌کرد و هزینه و حقوق ارتش و سربازان را پرداخت می‌کرد. در دوره کودتای ۱۲۹۹ش. و پس از کودتا نیز با پرداخت وام‌هایی به رضاشاه سعی کردند به دولت ایران در تثبیت قدرت مرکزی کمک نمایند و با اعطای مساعدت‌های مالی امنیت را برقرار سازند.

بانک شاهنشاهی جدای از این موارد در وقایعی مانند قرارداد ۱۹۱۹م.، قرارداد مودت ایران و شوروی و شرکت نفت انگلیس و ایران نیز نقش‌آفرینی کرده است. بانک شاهنشاهی در ایران طی چهار دهه آینده تنها بانک تجاری کشور نبود، اما همچنان به عنوان بانک رسمی به دولت خدمت می‌کرد و وظایف بانک مرکزی را بر عهده داشت. این دوگانگی در عملکرد بانک با توجه به غیر بومی بودن و استقرار اداره مرکزی آن در لندن مشکلات جدی ایجاد می‌کرد. (Bostock, 1989: 103)

سیاست بانک شاهنشاهی حفظ منافع سهامداران مقیم لندن بود، در حالیکه بانک از سهام سرمایه‌گذاری شده در ایران سود فراوانی را به خود اختصاص می‌داد. در سال‌های ۱۹۲۹ - ۱۹۲۸م. سودی را که میزان آن معادل واردات یازده ماه بود از سوی بانک به لندن انتقال پیدا کرد که مبلغ آن ۱۶۱۲۶۷ لیر گزارش شده است، اما سود واقعی آن

بررسی گوشه‌هایی از سیاست‌های بانکداری بریتانیا در ایران و هند ۱۰۵

براساس اسناد داخلی ۸۹۰۶۳۵ لیر برآورد شده است. سود واقعی برای این دو سال ۶۷٪ از سرمایه سهامداران یا ۱۳٪ در هر سال از سرمایه کلی بود. (Clawson, 1988:116-117)

در هند نیز بانک‌ها وظایف بانکداری را برای شرکت‌های غربی، مردم و اعضای جامعه هندی ایفاء نمودند و به عنوان اهرم فشار برای افزایش منابع وام و کمک به تثبیت اوراق بهادار دولتی عمل کردند. (Cohen, 2003:345) آنها از آغاز تحت محدودیت‌های بسیار شدید کار می‌کردند. این بانک‌ها متعهد بودند و مسئله اساسی که در ابتدا آنها را به عنوان مؤسسات نیمه رسمی حفظ می‌کرد، این بود که باید تا حد امکان براساس اصول صحیح رفتار کنند. بانک‌های محلی میزان فراوانی از کار دولت را بر عهده گرفتند و این چنین بدهی دولت و خزانه را در مناطقی که بانک‌ها شعبه داشتند، مدیریت کردند. در سال ۱۸۷۶م. زمانی که بر طبق قوانین جدید سه بانک در هم ادغام شدند، از اداره کردن تجارت ارز، استقراض یا دریافت سپرده‌های قابل پرداخت خارج از هند و وام دهی برای مدتی بیش از ۶ ماه با گرو گذاشتن یا نگهداری اموال غیر منقول ممنوع شدند و این اصول که فعالیتشان را محدود می‌کرد به آنها تحمیل شده بود و در این زمان مجبور به ادغام شدند. (Howard, 1921: 148)

نتیجه گیری

به دنبال استقرار بریتانیا در هندوستان و تشکیل کمپانی هند شرقی در این منطقه، روابط ایران و بریتانیا شکل ویژه‌ای به خود گرفت و از همین دوره ایران به عنوان دروازه نفوذ هند اهمیت پیدا کرد. جدای از منافع اقتصادی ایران و بازارهای آن برای فروش مصنوعات بریتانیا، ایران راهی برای حفظ و استقرار منافع دولت بریتانیا در هند بود. در پی همین سیاست، انگلیس در ایران خطوط تلگراف و پایگاه‌های نفوذی متعدد ایجاد کرد تا از این طریق هم ایران را تحت کنترل خود داشته باشد و هم از هند محافظت نماید.

بانک شاهنشاهی در ایران در راستای همین استراتژی کلان بریتانیا و بیشتر برای حفظ هند تأسیس شد که برخی از عملیات بانکی بین شعب بانک‌های ایران و هند از جمله استفاده از روپیه‌های هندی و حمل و نقل آنها به ایران دلالت بر این امر دارند. شعب بانکی در ایران و هند هر دو تحت نظارت دولت بریتانیا و قوانین مستعمراتی وزارت خزانه‌داری بودند. هدف دولت بریتانیا از تأسیس بانک در این مناطق، افزون بر

بهره‌برداری‌های اقتصادی و تجاری در مسائلی همانند: نشر اسکناس، در دست داشتن تجارت داخلی، تجارت ارز، کنترل نظامی و پیشبرد اهداف سیاسی خود در این کشورها بود. به همین منظور برای حفظ اسرار و شیوه‌های اداره بانک‌های مستعمراتی، دولت بریتانیا غالباً از به کارگیری نیروهای بومی پرهیز می‌کرد و در موارد نادر از وجود آنها در پست‌های معمولی استفاده می‌نمود. دولت بریتانیا هم چنین با تأسیس شعبه بانک در شهرهای پرجمعیت و حساس، علاوه بر سودآوری به دنبال گسترش نفوذ خود بود که در هنگام جنگ و رو به رو شدن با مخالفان بتواند از این نفوذ بهره‌برداری کند. فرجام سخن آنکه هدف بریتانیا از تأسیس بانک و شعبات متعدد آن، تأمین اهداف سیاسی خود در ایران و هند بود.

منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون (۱۳۸۵)، اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار، چاپ سوم تهران: خوارزمی.
- الهی، همایون (۱۳۸۳)، شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم، تهران: قومس
- اولسون، ویلیام. جی، (۱۳۸۰)، روابط ایران و انگلیس در جنگ جهانی اول، مترجم: حسن زنگنه، تهران: شیرازه.
- دانشپور، عبدالحسین، [بی تا]، بانک شاهنشاهی و امتیاز / وجود بانک شاهنشاهی مانع نمو بانک ملی است، تهران: نامه مظفر.
- رایت، دنیس (۱۳۸۰)، دو قرن نیرنگ، داستان تلخ سیاست استعماری انگلیس در ایران، ترجمه: محمود طلوعی، تهران: علم.
- _____ (۱۳۸۵)، انگلیسی‌ها در میان ایرانیان، ترجمه: اسکندر دلد، چاپ دوم، تهران: به آفرین.
- رودگر کیا، ایرج (۱۳۸۵)، سیر استعمار انگلیس در ایران، تهران: آبی.
- شاهدی، مظفر (۱۳۷۷)، زندگانی سیاسی خاندان علم، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- _____ (۱۳۸۷)، تاریخ بانک شاهنشاهی ایران گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- شوب، لورنس اچ و ویلیام مینتر (۱۳۷۰)، تراست مغزهای امپراتوری، شورای روابط خارجی و سیاست خارجی امریکا، ترجمه: منصور آسیم و علی رضائی، تهران: اطلاعات.
- غلامی، ناصر (۱۳۸۱) "زمینه پیدایش بانکداری در ایران، مجله حسابدار، شماره ۸۲ صفحه ۶.
- فرمانفرمائی، حافظ (۱۳۵۵)، خاطرات سیاسی میرزا علی خان امین‌الدوله، چاپ دوم تهران: شرکت افست.
- فوران، جان (۱۳۸۹)، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه: احمد تدین، چاپ دهم، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کازم زاده، فیروز (۱۳۷۱)، روس و انگلیس در ایران ۱۹۱۴-۱۸۶۴ پژوهشی درباره امپریالیسم، ترجمه: منوچهر امیری، چاپ دوم، تهران: نشر آموزش انقلاب اسلامی.

- کرزن، جورج. ن (۱۳۸۰)، *ایران و قضیه ایران*، جلد ۲، چاپ پنجم، ترجمه: ع. وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____ (۱۳۸۷)، *ایران و قضیه ایران*، جلد ۱، چاپ ششم، ترجمه: ع. وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کوزنتسوا، ن. آ و دیگران (۱۳۸۶)، *پژوهش‌هایی در تاریخ نوین ایران*، چاپ دوم، ترجمه: سیروس ایزدی و میترا ایزدی، تهران: زوار.
- لعل نهر، جواهر (۱۳۶۱)، *کشف هند*، جلد اول، چاپ دوم، ترجمه: محمود تفضلی، تهران: امیرکبیر.
- مجتهد، احمد و علی حسن زاده (۱۳۸۰)، *پول و بانکداری*، تهران: موسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۸)، *امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران*، ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی، تهران: شیرازه.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۷)، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، جلد اول، تهران: دانشگاه تهران.
- ملائی توانی، علیرضا (۱۳۸۱)، *مشروطه و جمهوری - ریشه نابسامانی نظم و دموکراتیک در ایران*، تهران: گستره.
- میر شریفی، علی (۱۳۷۸)، *هندوستانی که من دیدم*، سفرنامه هند، چاپ دوم، قم: دلیل ما.
- ناطق، هما (۱۳۷۳)، *بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو (بر پایه آرشیو امین الضرب)*، چاپ دوم، تهران: توس.

اسناد

آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۲۸ قمری

Avery, P. W. and J. B. Simmons, (1974), *Persia on a Cross of Silver, 1880-1890*, Middle Eastern Studies, Vol. 10, No. 3.

Bostock, Frances, (1989), *State Bank or Agent of Empire? The Imperial Bank of Persia's Loan Policy 1920-23*, Source: Iran, Vol. 27.

Broadberry, Stephen, (2006), *Market Services and the Productivity Race, 1850-2000, British Performance in International Perspective*, Cambridge university press.

Clawson, Patrick, (1988), **Review Banking and Empire in Iran: The History of the British Bank of the Middle East**, Volume I, by Geoffrey Jones, Iranian Studies, Vol. 21, No. 3/4.

Cohen, M.I, (2003), **state bank of india**, web site: <http://www.statebankofindia.com>

Galbraith, John S., (1989), **British Policy on Railways in Persia, 1870-1900**: Middle Eastern Studies, Vol. 25, No. 4.

Greaves, Rose Louise, (1965), **British Policy in Persia, 1892-1903—I**, Source: Bulletin of the School of Oriental and African Studies

Howard, H.F, (1921), **the imperial bank of India**: Source: The Economic Journal, Vol. 31, No. 122.

king,h.h frank, (1998), **eastwards of the cape of good hope**, of studies in the economic history of the pacific rim, routledge11 new fetter lane, London, ec4p 4ee.

Leeladhar,V, (2007), **the evolution of banking regulation in india – a retrospect on some aspects**, at the Bankers' Conference (BANCON), Mumbai

_____ (2008), **the payment and settlement system in india**, at the Conclave on Indian Banking, organised by the Indian Banks' Association, Mumbai.

Miller, Sally Mand .J.H.Latham and Dennis O.Flyn, (1998), **studies in the economic history of the pacific rim**, Routledge11 new fetter lane, London, ec4p 4ee.

Rabino, Joseph, (1901), **an Economist's Notes on Persia**, Source: Journal of the Royal Statistical Society, Vol. 64, No. 2.

Stebbin, h. Lyman, (2009), **British consuls and “local” imperialism in Iran, 1889-1921**, by Umi dissertataion publishing.

Thornton, A. P., (1955), **British Policy in Persia, 1858-1890**, Source: The English Historical Review, Vol. 70, No. 274.



وزارت امور خارجه

کابرد کنونی صدمه جاریه قایمات

مورخه ۲ شهریور ۱۳۳۶

۲۵۱

سقام منع در جمله هر چه بهر چه
 برای دست مصارف قوت در است فضا
 روپه نقره سکه سینه و سینه و در شعبه مابین
 بر حسب نفع تدریجی و در قرار یکی هر قرآن روح
 وزن بر روپه هر شقال و در خود است در
 از هر در ایران هر است و در نقره آن
 نقره هر بر از است هر نام هر



اداره

وزارت خزانة عامه و ریاست خزانة

معاونت

۳۷ خرداد ۱۳۲۵

نوع مسوده: <u>مسوده وزارت خارجه</u>	وزارت امور خارجه	نمره عمومی: <u>۲۰۷۱</u>
موضوع مسوده: _____	اداره: _____	نمره خصوصی: <u>۹۹۹</u>
شماره: _____	تاریخ: <u>۱۳۳۷/۱/۲۸</u>	کارتن: <u>۳۸</u>
پاک نویس کننده: _____		دوسیه: <u>۲۸</u>

دائرة امور خارجه
رئيسه
موضوع: مسوده وزارت خارجه
شماره: ۳۸
تاریخ: ۱۳۳۷/۱/۲۸

محمد
محمد



۱۵۴۵

وزارت امور خارجه

ثبت کتابخانه وزارت امور خارجه ۵۹

نمبر کتاب ثبت	۱۳۰۲۲
کارتن	۴۰
نمبرهای قبل	
شعبه	

تاریخ خروج ۱۳۲۸

بابت کتابخانه وزارت امور خارجه
 در کتابخانه وزارت امور خارجه
 شماره کتاب ثبت ۱۳۰۲۲
 کارتن ۴۰
 تاریخ خروج ۱۳۲۸

از طرف وزارت امور خارجه

